فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره سوم (تابستان۱۳۹۹)

تاثیر توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی درسبک زندگی خانواده‌ها برکاهش میزان آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان

(تاریخ ارسال ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۶/۲۰)

لیلا نعمتی[۱]
دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان
سهیل سبزکار
کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اهواز
سیده غزاله موسوی قهفرخی
کارشناسی ارشد روانشناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

توانمندسازی اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها اصلی ترین ارزش‌هایی است که باید در بنای یک زندگی سالم به آن توجه شود چراکه در نبود ارزشهای اخلاقی و تقویت آنها بنای شکل گیری شخصیت دانش آموزان به خطر افتاده و آزار رسانی به روح و روان آنها اتفاق می افتد از این نظر توجه به این امر لازمه یک خانواده سالم است. بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی رابطه توانمندی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها بر کاهش میزان آزاردیدگی هیجانی انجام گرفت. روش پژوهش کاربردی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری مشاوران دفاتر روانشناسی خانواده شهر اهواز می باشد که ۱۱۰ مشاور و دستیار مشاور به عنوان نمونه به روش هدفمند انتخاب شدند ابزارهای پژوهش چهار پرسشنامه توتنمندسازی اخلاقی، باورهای اخلاقی، سبک زندگی و آزاردیدگی هیجانی بود

---

۱ نویسنده مسئول

که پایایی آنها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۱، ۰/۸۶ و ۰/۸۲ از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون از نوع معادلات ساختاری) استفاده شد. پژوهش نشان داد توانمندسازی اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها می تواند میزان آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان را کاهش دهد. همچنین باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها می تواند میزان آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان را کاهش دهد. توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها می تواند آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان را کاهش دهند و از آسیبها و پیامدهای منفی آزاردیدگی در فرزندان جلوگیری کند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی اخلاقی، باورهای اخلاقی، سبک زندگی خانواده، آزاردیدگی هیجانی

مقدمه

نهاد خانواده نخستین نهاد تربیتی است که رفتار آدمی را شکل می‌دهد. بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی[۱] و رفتاری انسان‌ها در خانواده ریشه دارد و در عین حال بسیاری از پیشرفت‌های بشر نیز از خانواده نشأت می‌گیرد. در طول دو دهه گذشته، رشته‌های مربوط به درمان مشکلات خانواده، توجه خود را از نقص‌ها و کمبودهای خانواده به توان‌مندی‌های آن معطوف داشته‌اند (والش[۱]، ۲۰۰۲). که بر اساس این توانمندیهای سعی بر آن دارد که نقاط ضعف را سامان دهد. در میان توان‌مندی‌های خانواده[۲]، نقش شکل‌گیری و معنادهی نظام‌های باور در بین اعضای خانواده در حل معضلات پیش روی خانواده و جامعه بسیار پر اهمیت است(رامین، ۱۳۹۴). از این نظر اخلاق و ارزشهای اخلاقی در سبک زندگی از توانمندی‌های خانواده محسوب می شوند که می توانند خانواده را از خیلی آسیب‌ها دور کند. توانمندسازی اخلاقی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول اخلاقی درونی شده در والدین برای پذیرش مسئولیت اخلاقی و قانونی والدین از محافظت و تربیت فرزندان می باشد که خانواده ملزم به پذیرش آن هست و اگر کوتاهی کند به مسئولیت قانونی[۸] و اخلاقی خود عمل نکرده و کار غیراخلاقی انجام شده است و با گسترش و توسعه رفتار و برخوردهای غیر اخلاقی سبکی به دور از اخلاق در روال زندگی خانواده شکل می گیرد (عرب، ۲۰۱۲). وجود اخلاق به عنوان یک جنبه ذاتی در شخصیت افراد رخنه می کند به طوری که تعاملات اجتماعی فرد را با دیگران و اعضای خانواده تحت تاثیر قرار می دهد تا آنجایی که اخلاق با درونی شدن در فرد هویت او را نیز تشکیل می دهد و این امر رفتار افراد را با دیگران تحت الشعاع قرار می دهد و فرد سعی می کند بر اساس قضاوتهای اخلاقی، مسئولیت اخلاقی و قانونی با افراد خانواده به خصوص فرزندان رفتار کند. اخلاق به صورت ذهنی و شناختی در ذهن فرد جای می گیرد به طوری‌که تمامی رفتارها و عملکردهای فرد را در قبال دیگران تحت تاثیر قرار می دهد و به شکل یک هنجار اخلاقی

۱ Walsh, F

بروز می یابد (توروییز و ماینارد[۱]، ۲۰۱۰) وجود اخلاق در باور و مهارتهای والدین می تواند به رشد هویت اخلاقی[۱۲] دانش آموزان نیز اثرگذار باشد و به انها فرصت دهد در تعاملات اجتماعی[۱۳] با ارزشهای اخلاقی عمل و رفتار کنند (کاملا، [۲] ۲۰۰۹). بنابراین توانمندسازی اخلاق آموزش و القای مواضع اخلاقی است که با ارزشهای اصلی اجتماعی مانند مراقبت از دیگران و عدالت مطالبقت دارد (ساحلبرگ، [۳] ۲۰۱۵)؛ اما از آنجایی که اخلاق در درون افراد وجود ندارد لازمه آموزش آن اهمیت می یابد. مطالعات پژوهشگران نشان داده (توروییز و ماینارد، ۲۰۱۰) وجود توانمندسازی اخلاقی توانسته کیفیت مراقبت را افزایش و پریشانی اخلاقی را در افراد کاهش دهد (عباسی و همکاران، ۲۰۱۹) توانمندسازی اخلاقی علاوه بر کمک به والدین برای رهنمود رفتار و برخودشان با دانش آموزان می تواند نقش مهمی در شکل گیری شخصیت اخلاقی و ارائه حس مسئولیت پذیری در آنها دارد. بنابراین توانمندسازی اخلاقی به رشد فکری، معنوی و مشارکت فعال اعضای خانواده کمک می کند و می تواند با بالابردن آگاهی های لازم از طریق آموزشهای اخلاقی، اخلاق را در والدین درونی کند. توانمندسازی، خاتمه دادن به هر چیزی است که موجب توقف رشد، آزادی عمل، اعتماد بـه نفـس می شود (فاضل و همکاران، ۱۳۹۵). با درونی شدن اخلاق در نگرش و باور والدین احساس مسئولیت آنها برای محافظت از فرزندان و اجتناب از آزار رسانی به آنها کاهش می یابد. والدین بر اساس باورهای اخلاقی احساس مطلوبی نسبت به فرزندان خود پیدا می کنند، کدهای اخلاقی را در تربیت و احساس و عاطفه نسبت به آنها را رعایت می کنند. باورهای اخلاقی یک احساس مثبتی بین والدین و فرزندان ایجاد می کنند. باورهای اخلاقی صداقت، دلسوزی، حس مسئولیت پذیری را در والدین ایجاد می کنند به طوریکه آنان عواطف مثبت و قوی نسبت به فرزندان خود پیدا می کنند و در غیر این صورت آنان احساسات منفی نسبت به فرزندان خواهند داشت و دست به اعمالی مانند آزار هیجانی و عاطفی فرزندشان خواهند زد. کلبرگ بر این باور است که والدینی که بر

---

۱ Turowetz, J J, Maynard D. W

۲ Kamla-R

۳ Sahlberg, P

اساس اخلاق عمل می کنند حتی می توانند تفکر فرزندشان را با ارزشهای اخلاقی بهبود بخشند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۴) به عبارتی باورهای اخلاقی در والدین احساس تعهد و مسئولیت پذیری بیشتری ایجاد می کند اما غیر از این آنها را افرادی بی مسئولیت و بی تعهد جلوه می دهد. باورها و تعلیم اخلاقی در سبک انواع خانواده ها در یک طیفی متغیر است اما خانواده هایی که در سبک زندگیشان باور به اخلاق و ارزشهای آن وجود داشته باشد فرزندان از آسیب ها در امان خواهند بود. در حقیقت چگونگی پاسخ فرد به یک موقعیت اخلاقی ریشه در باورهای اخلاقی وی داشته و پاسخ فرد نشان دهنده ادراک فرد از موقعیت اخلاقی بر اساس باورهای اخلاقی است (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۲). آزاردیدگی هیجانی یکی از آسیب‌هایی است که در خانوادهایی اتفاق می افتد که مسئولیت و تعهد اخلاقی کمی نسبت به فرزندان خود دارند. انجمن تخصصی آمریکا آزاردیدگی هیجانی را الگوی تکراری از بدرفتاری هیجانی مراقب با کودک تعریف کرده است، به شکلی که این الگوی تکراری به کودک القاء می کند که فاقد ارزش، ناقص، دوست نداشتنی و ناخواسته است. آزاردیدگی و غفلت هیجانی یکی از آسیبهای جدی به عملکرد و رشد دانش آموزان است که اغلب می توان آسیب های ناشی از آن را در زندگی بزرگسالی آنها نیز مشاهده کرد (کاپوتیسیس، ۲۰۱۶). اهمیت موضوع اخلاق در وسعت دادن تعهد و مسئولیت والدین به فرزندان تا آنجاست که نبود اخلاق را معضلی برای آزار هیجانی دانش آموزان توسط فرزندان می باشد. اخلاق در سبک زندگی منجر به داشتن سلامت روان، سلامت جسم، سلامت اجتماعی و معنوی افراد خانواده می شود و زمانی که خانواده و محیط آن توام با این سلامت چهارگانه باشد از وضعیت مطلوبی برخوردار است و شیوع آزارهای روانی، هیجانی نسبت به فرزندان در امان است. آزاردیدگی دانش آموزان یکی از چالش برانگیزترین فاجعه‌های اجتماعی است که توجه محققان سراسر جهان را به خود جلب کرده است (آگوستین و ابوباکر[۱]، ۲۰۱۶-۲۰۱۷)؛ به طوری‌که آگوستین و ابوباکر (۲۰۱۶-۲۰۱۷) و نعمتی و همکاران (۱۳۹۸) معتقدند این آزاردیدگی هیچ جای امنی برای دانش آموزان باقی نزاشته

۱ Augustin S A, Abubaker I S.

است. آزاردیدگی از مدرسه، خانواده و یا محیط اجتماعی به دانش آموزان یا هر مکان دیگری توسط والدین، خواهران یا برادران، معلمان، مدیران و افراد جامعه بر دانش آموزان وارد می شود که منجر به آسیب فیزیکی، ذهنی و روانی و یا جنسی در دانش آموزان می شود. آزاردیدگی به عنوان یک مسئله هشدار دهنده با وجود برنامه های پیشگیری از آن، شاهد شیوع این مسئله هستیم. این آزاردیدگی سلامت روانی و عملکرد تحصیلی آنان را به خطر انداخته است که وجود این خطر باعث شده است که تلاشهای دولتی و غیردولتی برای این مسئله زیادتر شود (سیلویا لونگیل و داویسون، ۲۰۱۷). محققان اذعان دارد که آزاردیدگی در دانش آموزان با عملکرد و تنظیمات زندگی آنان ارتباط دارد به طوری که دانش آموزان وقتی مورد آزار قرار می گیرند از لحاظ روانی دچار آشفتگی می شوند و عملکرد احساسی، شناختی و اجتماعی آنان خدشه دار می شود بنابراین نظم زندگی کودک برهم میخورد و عملکردش صعیف می شود (براون پاتریکیا[۱]، ۲۰۱۶). آزار هیجانی هر نوع آزار یا غفلت حمایت در برابر آزار/غفلت را شامل می شود که بالقوه آسیب زاست؛ نسبت به رشد هیجانی کودک بی توجه است و با اثرات منفی طولانی مدت و عمیق عملکرد بدی رفتاری، هیجانی و رفتاری، هیجانی و اجتماعی مرتبط است (هارملن و همکاران[۲]، ۲۰۱۰). آزار هیجانی و کودک آزاری به هر شکل که باشد پیامدها و عواقب ناگواری دارد، اما خطارت هیجانی آن بیش تر است (لعلی و عابدی، ۱۳۸۷) حتی مطالعات نشان داده است که فشار روانی زود هنگام زندگی، تغییرات دائمی را در مدارهای عصبی ایجاد می کند که سبب عدم یکپارچگی پردازش هیجانی، کنترل خودکار درون ریز، تنظیم برانگیختگی و گوش به زنگی شده و به افزایش واکنش نسبت به محیط، نقص شناختی، حساسیت تر مقابل درد، افسردگی، اضطراب و خواب آشفته منجر می شود (هین و همکاران[۳]، ۱۳۸۷). مطالعات نشان داده است که دانش آموزانی که در محیط خانواده دچار آزاردیدگی هیجانی می شوند

---

۱ Patricia L

۲ Van Harmelen, Anne-Laura, Jong, Peter J, Glashouwer, Klaska A, Spinhoven ,Philip, Penninx, Brenda. W. J. H & Elizinga. Brenet. M.

۳ Heim Ch, Wanger, D, Maloney E, Papanicolaou,Dimitris. A,Solomon , Laura , Jones, James. F, Uger , Elizabeth. R & Reeves, William. C

تعاملات اجتماعی و عملکرد آنان را آسیب می رساند (ابوس[۱]، ۲۰۱۸) محققان نشان دادند بدرفتاری فیزیکی به عنوان استفاده عمدی از نیروی فیزیکی علیه یک کودک می تواند به سلامتی، بقا و توسعه کودک آسیب برساند. ضربات، ضرب و شتم، لگد زدن، تکان دادن، گاز گرفتن، سوزاندن، مسموم شدن و خاموش شدن، انواع سوءاستفاده های جسمی هستند. بدرفتاری فیزیکی پیش بینی شده بود که تاثیر منفی بر سازگاری آکادمیک و رفتاری دانش آموزان دارد. با وجود افزایش روز افزونی این آسیب روانی و اجتماعی و ادبیات و پیشینه پژوهش‌های در این زمینه اما باز هم خلاء مطالعاتی برای این مسئله وجود دارد. به طور اجمالی می توان گفت باورها، توانمندسازی اخلاقی و نگرش‌های والدین که سبک زندگی خانواده را که اعم از احساس و نگرش های والدین نسبت به فرزندان می باشد می تواند عاملی مهم در کاهش آزارهای هیجانی دانش آموزان توسط پدر و مادر باشد (الاروسی و شاکیوکی[۲]، ۲۰۱۷). آزارهای هیجانی به عنوان یک آسیب روانی و اجتماعی می تواند به عزت نفس، اعتماد بنفس، امید به زندگی، خودکنترلی و عملکرد فرزندان لطمه وارد کند و حتی آسیب‌های بزرگی بر تنه و کیفیت زندگی آنان وارد کند به طوری که نتوان آن را جبران کرد. اما آنچه اهمیت این پژوهش را دو چندان ساخته این است، با وجود آگاهی‌های خانواده و اقدامات پیشگیرانه و آموزش‌هایی که در رابطه با توانمندسازی اخلاقی برای درونی کردن اخلاق در والدین و افزایش حس مسئولیت پذیری اخلاقی و مخافظتی آنان از فرزندان که در این میان اجرا می شود، روزانه ما شاهد اتفاق این آزارها هستیم و این افزایش شیوع منجر به آن شده است که مطالعه و ضرورت انجام آن احساس شود.

بخش اول: روش پژوهش

این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه اجرا توصیفی از نوع همبستگی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل کلیه مشاوران دفاتر مشاوره و راهنمایی خانواده می باشد. نمونه پژوهش به‌صورت تصادفی و هدفمند ۱۱۰ نفر انتخاب شد. ابزارهای

---

۱ Abuse Neglect.

۲ Elarousy W, Shaqiqi W

پژوهش شامل چهار پرسشنامه محقق ساخته توانمندسازی اخلاقی که شامل ۱۵ سوال، پرسشنامه باورهای اخلاقی محقق ساخته که متشکل از ۲۰ سؤال بود، پرسشنامه سبک زندگی محقق ساخته و آزاردیدگی هیجانی ۴۰ سؤالی بود. پایایی پرسشنامه‌ها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۱، ۰/۸۶ و ۰/۸۲ از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد. روایی پرسشنامه در مطالعات دیگر مورد تایید قرار گرفته است و در این پژوهش نیز بر اساس نظر اساتید مورد تایید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل دادها از دو سطح آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون از نوع معادلات ساختاری) و نرم‌افزارهای SPSS, LISREL استفاده شد.

بخش دوم: یافته‌های پژوهش

قبل از بررسی روابط علی بین متغیرها، همبستگی آن‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت.

جدول (۱): نتایج ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	۱	۲	۳	۴
توانمندسازی روانشناختی	۱			
باورهای اخلاقی	۰/۵۲۵**	۱		
سبک زندگی	۰/۵۳۲**	۰/۷۸۷**	۱	
آزاردیدگی هیجانی	-۰/۴۸۶**	-۰/۷۵۸**	۰/۷۱۸** -	۱
(**) سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است.				

جدول ۲: برآوردهای ضرایب اثر مستقیم

برآورد متغیرها	پارامتر استانداردشده	خطای استاندارد برآورد	t
اثر مستقیم توانمندسازی اخلاقی بر: آزاردیدگی هیجانی	-۰/۷۸**	۰/۰۰۱	۲ ۴/۳
اثر مستقیم باورهای اخلاقی بر: آزاردیدگی هیجانی	-۰/۹۰**	۰/۰۰۱	۸۶ ۳/

***P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱**

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲، اثر مستقیم توانمندسازی اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان برابر با ۰/۷۸ - و با توجه به مقدار (t= ۴/۲۳) در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر مستقیم باورهای اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی برابر با ۰/۹۰ - و با توجه به مقدار (t= ۳/۸۶) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر مستقیم سبک زندگی بر آزاردیدگی هیجانی برابر با ۰/۷۸- و با توجه به مقدار (t= ۵/۱۲) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

بخش سوم: اثرات غیرمستقیم

در این بخش با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۳ به بررسی سؤال‌های مرتبط با اثرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر می‌پردازیم. در ادامه جدول ۴ مربوط به اثرات غیرمستقیم ارائه می‌شود.

جدول ۳: برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم

برآورد متغیرها	پارامتر استانداردشده	خطای استاندارد برآورد	t
اثر توانمندسازی اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی	-۰/۶۹**	۰/۰۱	۵۲ ۳/
اثر باورهای اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی	-۰/۶۱**	۰/۰۱	۱۳ ۳/

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر غیرمستقیم توانمندسازی اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی برابر با ۰/۵۹ -و با توجه به مقدار (t= ۳/۵۲) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می‌توان گفت متغیرتوانمندسازی اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی تأثیرگذار است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر غیرمستقیم باورهای اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی برابر با ۰/۶۱ - و با توجه به مقدار (t= ۳/۱۳) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می‌توان گفت متغیر باورهای اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی تأثیرگذار است.

بخش چهارم: برازش مدل

ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)[۱] شاخص دیگری است که برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل‌های ضعیف بالاتر از ۰/۱ است (براون و سودک، ۱۹۹۳). همچنین بر اساس یک قاعده کلی،

۱.Root Mean Square Error of Approximation

شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI)۱، نرم شده برازندگی (NFI)۲، نرم نشده برازندگی (NNFI)۳، نیکویی برازش (GFI)۴ و نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)۵ برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ خواهند بود. مقادیر بالای ۰/۸۰ نیز نشان‌دهنده برازش نسبتاً خوب یا متوسط مدل هستند. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مقادیر محاسبه‌شده
مجذور کای	۲/۲۹
معناداری	۰/۰۵۷
ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۷
شاخص برازش استاندارد (NFI)	۰/۹۲
شاخص نرم نشده برازش (NNFI)	۰/۸۸
شاخص تطبیقی برازش (CFI)	۰/۹۴
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	۰/۹۴

از تقسیم مجذور کای بر درجات آزادی شاخصی به دست می‌آید که چنانچه کوچک‌تر از ۳ باشد قابل‌قبول می‌باشد. با این حال ازآنجاکه این شاخص برازش تحت تأثیر حجم نمونه و همبستگی‌های موجود در مدل است، از سایر شاخص‌های برازش ازجمله ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نرم شده برازش (NFI)، شاخص نرم

۱.Comparative Fit Index

۲.Normed Fit Index

۳.Non-Normed Fit Index

۴.Goodness of Fit Index

۵.Goodness of Fit Index

نشده برازش (NNFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI) و نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI) نیز استفاده می‌گردد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده با توجه به اینکه مقدار (RMSEA=۰/۰۷۲) است می‌توان برازش مدل را مطلوب دانست. همچنین در سایر شاخص‌ها از جمله (NFI، CFI، GFI و AGFI) نتایج بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشد که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشند.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها بر کاهش میزان آزاردیدگی هیجانی انجام گرفت. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که توانمندسازی اخلاقی بر کاهش آزاردیدگی مؤثر هستند. این امر بدان معنی است که توانمندسازی اخلاقی به‌عنوان یک رهنمود اخلاقی والدین را برای رفتارهای اخلاقی و منطقی هدایت می‌کنند و آن‌ها در گفتار و رفتار خود با فرزندانشان اخلاقی برخورد خواهند کرد. توانمندسازی اخلاقی در فرآیند و سیر زندگی با فرزندان، به والدین حس مسئولیت‌پذیری اخلاقی و قانونی همراه با حس محافظت و تعهد نسب به فرزندان را می‌دهد و این امر میزان بددهنی، بدرفتاری و آزارهای هیجانی آنان نسبت به دانش آموزان را کاهش می‌دهد. توانمندسازی اخلاقی به والدین صداقت، احترام، اعتماد متقابل را در رابطه با رفتار و برخورد با کودک می‌دهد اما بدون اخلاق و ارزش‌های مرتبط با آن شاید رفتاری بی مسئولانه همراه با آزار را به همراه داشته باشد. در استناد به این پژوهش می توان گفت محققان معتقدند (۳) که اثربخشی آموزشهای توانمندسازی اخلاقی به عنوان یک ضرورت برای نحوه برخورد بادانش آموزان و شکل دهی شخصیت آنان بسیار مهم و حیاتی است و این امر از طریق آموزش اخلاق و ارزشهای آن صورت می پذیرد. آموزش نوانمندسازی اخلاقی هسته اصلی آموزشهای علنی، اجتماعی، مذهبی و سبک زندگی محسوب می شود که کلیه توانمندیهای انسان را در راستای اخلاقی عمل کردن هدایت می کند. توانمندسازی اخلاقی همان چیزی است که مسئولیت رشد فردی و اخلاقی والدین را نسبت به فرزندان افزایش می دهد

نتایج نشان داد که والدینی که نگرش و باور به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی داشته باشند خانواده سالمی خواهند داشت و در محیط عاری از تنش و استرس فرزندانی با سلامت روانی خواهند داشت. والدینی که باور و پایبندی به اخلاق دارند حس مسئولیت‌پذیری، تعهد، ایمان را به فرزند آنان را از آزارهای هیجانی حتی در حالت خفیف آن‌که بددهنی و دادن القاب بد است دور نگاه می‌دارد. بنابراین بر اساس این فرض پژوهشی می‌توان گفت اخلاق و ارزش‌های اخلاقی که نگرش و باور والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهند عاملی مهم برای کاهش آزارهای هیجانی به فرزندان از سوی والدین می‌باشد این رهیافت با پژوهش (۹) همسو می باشد چراکه به نتایج مشاهبهی دست یافتند.

بررسی حاصل نشان داد که سبک زندگی مطلوب و سالم یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند میزان آزارهای هیجانی والدین نسبت به فرزندان را کاهش دهد. سبک زندگی مطلوب که افراد خانواده از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی برخوردارند، رفتارها و کردار آنان با یکدیگر بر سلامت اجتماعی استوار است و امید به زندگی و ایمان و اعتقاد در آنان بیشتر است معضلات اخلاقی مانند آزارهای هیجانی وارده بر فرزندان در آنان کمتر به چشم می‌خورد. ازآنجایی‌که متغیرهای نامبرده توانسته‌اند بر کاهش شیوع آزاردیدگی هیجانی اثرگذار باشند بنابراین توجه به این فاکتورهای مهم برای سلامت جامعه که در گروی سلامت خانواده و سلامت خانواده وابسته به سلامت والدین و فرزندان است حائز اهمیت است. هر پژوهشگری در مطالعات خود با محدودیت‌های روبه‌رو می‌شود که این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نبوده است اما با وجود این محدودیت‌ها پیشنهادهایی ارائه کرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. پیشنهاد می‌شود آموزش‌های بلندمدت و مستمر از طریق برنامه‌های آموزشی، نشست‌های علمی، دعوت از متخصصان و مشاوران در برنامه‌های تلویزیونی، جلسات انجمن اولیا و مربیان در راستای پیشگیری از آزارهای هیجانی وارده بر فرزندان توسط والدین از طریق توجه به فاکتورهای اخلاقی و آموزش‌های توانمندسازی اخلاقی و سبک زندگی سالم تدوین گردد. آموزش‌های مهارت‌های زندگی، سبک زندگی (سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)، در راستای درونی کردن اخلاق در والدین انجام گیرد تا بتوان از پیامدهای منفی آزارهای هیجانی که می تواند نسل به

نسل انتقال یابد، تدوین و به‌صورت برنامه‌های همگانی اجرا شود تا بتوان در بیداری همگانی در راستای پیشگیری بیشتر از این معضل اخلاقی و آسیب اجتماعی در دانش آموزان معصوم جلوگیری به عمل آورد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

برای رعایت اصول اخلاقی همه شرکت کنندگان از اهداف پژوهش و اختیاری بودن شرکت در آن مطلع شدند. به همه آن‌ها اطمینان داده شد اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه خواهند ماند.

مشارکت نویسندگان

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی مشاوران و روانشناسان خانواده دلسوز و متعهد که در این پژوهش ما را یاری رساندند سپاسگزاری و قدردانی به عمل می‌آورند.

Refrence:

- Walsh, F . (۲۰۰۲) A Family Resilience Framework Innovative Practice Applications. Family Relations. New York Guilford Press.
- Ramin, Farah. (۲۰۱۳). The Ethics behind Emerging Families, Mahdavi Research۸ (۱۳):p. ۱۳, ۶۵-۶۵.
- Arbab, S. (۲۰۱۲). Moral empowerment : elements of a conceptual framework for education. Doctoral thesis , Institute of Education, University of London.
- Turowetz, J J, Maynard D. W. (۲۰۱۰). Morality in the social interactional and discursive world of everyday life. In S. Hitley & S. Vaisey (Eds.), Handbook of the sociology of morality (pp. ۵۰۳-۵۲۶). New York: Springer.
- Kamla-R. (۲۰۰۹). Moral Education of the Child: Whose Responsibility? S. E. Oladipo, , ۲۰(۲): ۱۴۹-۱۵۶
- Sahlberg, P. (۲۰۱۵). Finnish lessons ۲,۰: What can the world learn from educational change in Finland? New York: Teachers College Press.
- Fazel, A, Kamalian, AR, Roshan, A. (۲۰۱۴). The Relationship between Ethical Leadership and Student Empowerment, Journal of Ethics in Science and Technology; ۱۱ (۳): ۳, ۶۸-۵۹.
- Taghizadeh H, Soltani F, Gholamreza. (۲۰۱۳). The Role of Employee Identification and Ethical Beliefs in Functional Outcomes of Ethical Leadership, Ethics in Science and Technology; ۱۰ (۴): p.۱۰۷-۹۷. (In Persian)
- Alokan F B, Olatunji I. C. (۲۰۱۴). Influence of child abuse on classroom behaviours and academic performance among primary

and secondary school students. European Scientific Journal; ۱۰ (۱۰), P.۱۳۱-۱۴۰.

- Augustin S A, Abubaker I S. (۲۰۱۷-۲۰۱۶). The effects of child abuse on the academic of school children: Implication on the Nigerian economy.Asia Pacific Journal of Education, Arts and Science; ۳(۳): P. ۲۳-۲۷
- Sylvia Lungile D, Davison M. (۲۰۱۷). Effects of Child Abuse on the Academic Performance of Primary School Learners in the Manzini Region, Swaziland, World Journal of Education; ۷ (۵).
- Van Harmelen, Anne-Laura, Jong, Peter J, Glashouwer, Klaska A, Spinhoven ,Philip, Penninx, Brenda. W. J. H & Elizinga. Brenet. M. (۲۰۱۰). Child abuse and negative explicit and automatic self-associations :The cognitive scars of emotional maltreatment, Behavior Research and Therapy;۴۸ (۲۷): P. ۴۸۶-۴۹.
- Elarousy W, Shaqiqi W (۲۰۱۷) Effect of Physical Abuse on Academic Achievement among Secondary School Female Students in Jeddah. J Comm Pub Health Nursing ۳: ۱۶۶.